

## "کارت اعتباری یارانه انرژی برابر" برای هدفمندی یارانه ها (کایاب)

دکتر حداد نوفرستی، مدرس دانشگاه، محقق و کارشناس اقتصاد و انرژی

Javad\_nowferesti@yahoo.com

### کلیات طرح:

پایه و اساس طرح پیشنهادی، ایجاد باور واقعی در مردم در مورد بهای واقعی حامل های انرژی و در کنار آن، منتفع شدن مردم در منافع هنگفت اقتصادی ناشی از کاهش مصرف انرژی می باشد.

### ویژگیها و مزایای طرح کایاب:

- بستر ساز تحقق حماسه اقتصادی، همسو با اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم انداز، کاهش یا حذف فاچاق سوخت، پتانسیل کاهش سریع مصرف انرژی، کاملاً عدالت محور، کاهش دهنده فاصله طبقاتی یا ضربی جینی، حذف یارانه نقدی، کاهش دهنده رشد نقدینگی، غیر تورم زا و حتی کاهنده تورم و افزاینده قدرت خرید بویژه در دهک های پایین درآمدی، بدون نیاز به دسترسی به اطلاعات دارایی ها و حسابهای مردم در بانکها و بدون نیاز به حذف دهک های درآمدی بالا یا درخواست خود انصافی

### خلاصه موضوع طرح "کایاب" پیشنهادی:

- آزاد سازی یک مرحله ای قیمت حامل های انرژی - تک نرخی: نرخ صادراتی یا نرخ های هدفگذاری شده در پایان اجرای قانون هدفمندی یارانه ها)- همزمان با شارژ اعتبار نقدی در کارت یارانه انرژی با تعیین سهم سرانه برای هر ایرانی از تمامی حامل های انرژی به همان نرخ آزاد و شارژ مبلغ در کارت اعتباری یارانه انرژی خانوار
- افراد می توانند از کارت اعتباری یارانه انرژی یا دیگر کارت‌هایی عضو شبکه شتاب، هزینه حامل های انرژی مصرفی یا قبض های مربوطه را با نرخ آزاد تعیین شده پردازند. بدیهی است بواسطه اینکه افراد ارزش واقعی حامل های انرژی را که از اعتبار کارشناسان کسر می شود یا می پردازند را بصورت شفاف درک و لمس می کنند، اثر قابل توجه در اقدام برای کاهش مصرف انرژی خواهد داشت.
- الزامی در اینکه قبض های حامل های انرژی "حتماً" از کارت اعتباری یارانه انرژی پرداخت شود وجود ندارد.
- مازاد اعتبار کارت، در دوره های معین قابل برداشت یا قابل انتقال بحساب بانکی سربرست خانواده خواهد بود. سیستم پشتیبانی این کارت باید هوشمند بوده تا قابلیت برداشت مانده کارت منوط به پرداخت قبض ها یا تعهدات دارنده کارت باشد.
- سهم سرانه فردی از حامل های انرژی بگونه ای پیشنهاد می شود که حداقل ۵۰٪ خانواده ها (قابل تغییر و هدفگذاری) از مانده نقدی قابل توجه در کارت اعتباری یارانه انرژی شان برخوردار شوند.
- خانواده هایی که بالاتر از سهم سرانه انرژی تعیین شده مصرف می کنند، درصورت تصمیم به استفاده از اعتبار کارت، هزینه انرژی مصرفی تا سقف متوسط سرانه را از محل اعتبار کارت و هزینه مازاد بر سهم سرانه را با همان نرخ آزاد، از محل دیگر حسابهایشان خواهند پرداخت.
- از آنجا که تعیین یارانه های متفاوت برای ساکنین مناطق مختلف مشکل ساز و حتی غیر ممکن است لذا تفاوت اقلیم های آب و هوایی در تعیین سهم سرانه هر فرد و درنتیجه اعتبار قابل شارژ تاثیری ندارد یعنی اعتبار یارانه انرژی همه یکسان است اما در مناطق خاص آب و هوایی (بسیار سرد و بسیار گرم) در ماههای خاص، در مورد برخی حامل های انرژی (بطور خاص حامل های انرژی مصرفی در ساختمان که قابل ذخیره سازی و یا جابجایی نیستند)، می توان از الگوی اقلیم بندي ارجایی شده بعد از فاز اول هدفمندی یارانه ها (برای گاز و برق) استفاده کرد که در واقع در اقلیم های خاص، حامل هایان نرژی مورد نظر با تخفیف پنهان عرضه می شود.
- بر اساس الگوی مصرف حامل های انرژی در ماهها و فصول مختلف سال، کارت اعتباری بصورت ماهیانه، دوماهانه یا فصلی شارژ می شود.
- دولت می تواند برای تشویق مردم به پس انداز و کمک به کاهش نقدینگی، برای مانده اعتبار کارت های اعتباری یارانه انرژی، پاداش یا سود مشارکت در نظر بگیرد.

لازم به توضیح است که اصل این طرح بصورت پیش نویس، در اسفند ۹۲ با نقد و بررسی و تکمیل طرح "راهبرد سوم" سه نماینده محترم اقتصادی مجلس (آقایان دکتر مصباحی مقدم، دکتر احمد توکلی، دکتر حسین زاده بحرینی)، تهیه و جهت بررسی و کمک به چکش کاری، اصلاح و تکمیل طرح و تهیه یک طرح جامع و نهایی، برای ایشان و تعدادی دیگر از نماینده‌گان محترم مجلس و برخی اعضای محترم هیات دولت ارسال شد.

## خلاصه ارقام برآورده و فرضی در کارت اعتباری یارانه انرژی (کایاب):

### حرثیات سهم سرانه فردی/خانوار از حامل های انرژی و اعتبار قابل شارژ در کارت انرژی

بر اساس تجربیات فردی، پایش و مطالعه آمارهای مصرف حامل های انرژی، اعداد تقریبی پیشنهاد می شوند. بدینهی است با همکاری دستگاههای مرجع دولتی، روی این ارقام می توان به جمع بندی بهتر رسید:

گروه حامل انرژی (نوع نیاز)	سهم سرانه هر فرد در سال بر اساس یک حامل شاخص	ارزش واقعی برآورده برای هر واحد شاخص انرژی (برخ ازاد تک نرخی)	ارزش کل سهم سرانه سالیانه هر فرد (اعتبار قابل شارژ)
سوخت مصرفی برای تامین گرمایش و آب گرم بهداشتی ساختمان (گاز طبیعی، گاز مایع، نفت سفید، گازوئیل)	فرض: معادل ۷۵۰ متر مکعب گاز طبیعی	فرض: هر متر مکعب گاز طبیعی ۱۰۰۰ تومان (سایر حامل ها هم مشمول یک برخ آزاد)	۷۵۰.۰۰۰ تومان
برق	فرض: ۵۰۰ کیلووات	فرض: هر کیلووات ۵۰۰ تومان	۲۵۰.۰۰۰ تومان
سوخت مصرفی وسائل نقلیه موتوری کوچک (بنزین، CNG) – حمل و نقل (درصورت تصمیم به تعمیم طرح به بخش حمل و نقل)	فرض: معادل ۲۵۰ لیتر بنزین	هر لیتر بنزین ۳۰۰۰ تومان (برخ CNG معادل نرخ گاز طبیعی بخش ساختمان ۱۰۰۰ تومان)	۵۰۰.۰۰۰ تومان
جمع کل - یارانه فرد در سال - بدون تعمیم طرح به حمل و نقل ( فقط انرژی مصرفی در ساختمان )			۱.۰۰۰.۰۰۰
جمع کل: یارانه خانواده ۲ نفره در سال - بدون تعمیم طرح به حمل و نقل			۴.۰۰۰.۰۰۰
جمع کل - یارانه فرد در سال - با تعمیم طرح به حمل و نقل			۱.۵۰۰.۰۰۰
جمع کل: یارانه خانواده ۲ نفره در سال - با تعمیم طرح به حمل و نقل			۶.۰۰۰.۰۰۰

- با توجه به سهم بالای ۴۰% بخش ساختمان در انرژی مصرفی کشور، اولویت مدنظر در طرح پیشنهادی، حامل های انرژی مورد استفاده در ساختمان ها و واحد های مسکونی است (کار طبیعی، نفت سفید، گاز مایع، برق و گازوئیل). اجرای طرح پیشنهادی در بخش ساختمان بسهوالت و سرعت قابل احراست و پیچیدگی های کمتری نسبت به بخش حمل و نقل دارد. با این وجود، پیشنهاد نگارنده اینست که می توان بعد از اجرای طرح در بخش ساختمان (یا همزمان)، انرژی مصرفی در بخش حمل و نقل (بنزین، CNG، گازوئیل) و حتی بخش صنعت و کشاوری را نیز در قالب کارت اعتباری عملیاتی نمود.

- بدینهی است پیچیدگی های اجرای طرح در این بخش بعلت تنوع کاربری خودروها و شبکه حمل و نقل (شخصی یا عمومی، تاکسی ها، مسافربرهای شخصی، وانت بارها، حمل و نقل جاده ای مسافر و کالا) و اثر آن بر تورم سایر بخش ها و ... بیشتر از بخش ساختمان است. اما نکته مهم اینست که بر اساس طرح پیشنهادی، بعنوان مثال در مورد بنزین، مبنای تعیین سهمیه و شارژ کارت اعتباری یارانه انرژی، فرد است نه خودرو. بدین ترتیب، حتی کسانی که هیچ وسیله نقلیه موتوری ندارند و درنتیجه بنزینی مصرف نمی کنند معادل افرادی که چند خودرو داشته و سهم بالایی از بنزین مصرفی امروز کشور را دارند سهمیه می گیرند و اعتبار مساوی در کارت آنها شارژ می شود.

تشدید بحران مصرف گاز در زمستان سال گذشته و اشاره به کمبود حداقل ۱۶۰ میلیون متر مکعب برای پایداری شبکه از سوی وزیر نفت و همچنین مدیرعامل و سخنگوی شرکت ملی گاز ایران، قطع گاز نیروگاهها، پالایشگاهها و صنایع بزرگ و جایگاههای CNG و اثرات زیانبار هنگفت اقتصادی و اجتماعی و انسانی آن (مراجهه شود به مقاله منتشر شده اینجانب با عنوان "پیامدهای زیانبار اقتصادی و اجتماعی مصرف بالای گاز در بخش ساختمان") و اثر گذاری زنجیره ای آن بر تولید و مصرف دیگر حامل های انرژی یا سوخت های فسیلی (بنزین، CNG، برق، نفت سفید و حتی چوب درختان و تشدید تخریب جنگل ها) حتی افزایش نرخ ارز در سال جدید، انگیزه ای شد که اجرای این طرح را با الوبت اصلی گاز طبیعی بخش ساختمان پیشنهاد کنم.

## توضیحات تکمیلی طرح

### مقدمه

ورود به طرح پیشنهادی با نگاهی به سرانه مصرف گاز خانوار (بطور مثال):

توجه به اعداد و ارقام زیر برای تبیین و درک مبانی تدوین طرح مفید و ضروری است:

۱. متوسط سرانه مصرف خانوار مشترک گاز طبیعی در کشور، سالیانه حدود ۳۰۰۰ متر مکعب است.
۲. دامنه یا طیف سرانه مصرف گاز طبیعی در خانواده ها بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ متر مکعب برآورد می شود.
۳. متوسط بهای پرداختی توسط مشترکین کمتر از ۱۰۰ تومان به ازای هر متر مکعب است.
۴. ارزش واقعی هر متر مکعب گاز طبیعی بر اساس نرخ صادراتی یا واردات، حدود ۴۵ سنت دلار است. (با دلار ۳۰۰۰ تومان یعنی حدود ۱۳۵۰ تومان- در رسانه ها ارقام بالاتر مشاهده شده است)
۵. مطابق قانون هدفمندی یارانه ها، در پایان اجرای این قانون، قیمت هر متر مکعب گاز باید به ۷۵٪ نرخ صادراتی آن برسد. (با ارقام فوق یعنی بالای ۱۰۰۰ تومان)

با درنظر داشتن ارقام فوق و تنها مفروض داشتن نرخ ۱۰۰۰ تومان بعنوان کف ارزش واقعی قیمت گاز (و نه ۱۳۵۰ تومان)، حدود ۹۰٪ قیمت هر متر مکعب گاز، یارانه یا سویسید می شود. اگر تمام خانواده های ایرانی، مصرف برابر داشتند، اشکالی از نظر عدالت نبود اما با توجه به طیف مصرف داده شده، شاهد واقعیت های زیر هستیم و همه می پذیریم که کاملاً ناعادلانه است.

میزان یارانه بهرهمند شده از بیت المال یا اقتصاد کشور در سال- تومان	حدود مبلغ پرداختی مشترک (پله ای)- تومان	حداقل ارزش واقعی گاز مصرفی (هر متر مکعب ۱۰۰۰ تومان)- تومان	میزان مصرف گاز طبیعی خانوار/ واحد مسکونی (متر مکعب در سال)
۹۵۰.۰۰۰	۵۰.۰۰۰	۱.۰۰۰.۰۰۰	۱۰۰۰
۱.۸۰۰.۰۰۰	۲۰۰.۰۰۰	۲.۰۰۰.۰۰۰	۲۰۰۰
۲.۶۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	۳.۰۰۰.۰۰۰	۳۰۰۰
۳.۲۰۰.۰۰۰	۸۰۰.۰۰۰	۴.۰۰۰.۰۰۰	۴۰۰۰
۷.۰۰۰.۰۰۰	۳.۰۰۰.۰۰۰	۱۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۲.۰۰۰.۰۰۰	۷.۰۰۰.۰۰۰	۲۰.۰۰۰.۰۰۰	۲۰۰۰۰

### "کایاب" چیست؟

#### معرفی طرح کارت اعتباری یارانه برابر (با مثال گاز طبیعی)

با در نظر گرفتن متوسط سرانه مصرف ۳۰۰۰ متر مکعب گاز در واحد مسکونی یک خانواده با بعد متوسط خانوار کشور (۴ نفر) و با مثال های اشاره شده قبلی برای سهیم کردن مردم در منافع اقتصادی هنگفت حاصل از صرفه جویی آنها، اعتبار یارانه برای "کمرنگ امن انرژی" گاز (یا سوخت مصرفی واحد مسکونی) معادل ۳۰۰۰ متر مکعب گاز با حداقل ارزش واقعی آن (۱۰۰۰ تومان برای هر متر مکعب) پیشنهاد می شود.

- نکته مهم: در شروع اجرای طرح و با هدف همراه کردن بیش از ۸۰٪ مردم با این طرح، پیشنهاد می شود همان سطح میانگین مصرف ۳۰۰۰ متر مکعب یا درصد کمتری از آن (مثلاً ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ متر مکعب) را مبنای عمل قرار داد اما بتدريج اين سهميه كهاش خواهد يافت تا به حد منطقی برسد.

فعلاً با فرض تعیین ۳۰۰۰ متر مکعب گاز طبیعی بعنوان مصرف متعارف و عدد مینا:

- برای یک خانواده ۴ نفره، اعتباری به مبلغ ۲ میلیون تومان بعنوان یارانه پرداخت سوخت مصرفی واحد مسکونی در کارتی بنام کارت اعتباری یارانه انرژی اختصاص می یابد. درصورتیکه مصرف گاز واحد مسکونی خانواده کمتر از این سقف باشد، مانده اعتبار کارت بعد از پرداخت آخرين قبض دوره (ماهیانه، فصلی یا سالیانه)، بصورت خودکار (با پشتیبانی و فرمان سیستمی تعریف شده) می تواند به حساب بانکی اعلام شده سریبرست خانوار انتقال یابد. برای این منظور، اگر کنترولها هوشمند و قابلیت ارتباط اطلاعاتی با کارت اعتباری وجود داشته باشد، مطلوب تر و شفافتر خواهد بود و بلافضله با پایان دوره، این انتقال و تسویه صورت می پذیرد.
- اما چنانچه مصرف خانوار بالاتر از سهمیه اختصاصی ماهیانه، دوماهانه یا فصلی (بسته به دوره صدور قبض گاز)، بخشی از آن از محل اعتبار منظور شده در کارت برای همان دوره یک تا سه ماهه و مابقی از جیب خانواده پرداخت خواهد شد. برای این منظور پیشنهاد می شود کارت اعتباری این قابلیت را داشته باشد که افراد بتوانند جووهی (مازاد بر سهمیه دوره برای پرداخت قبض ها) به کارت واریز نمایند تا پرداخت قبوض در یک عملیات قابل انجام باشد.

## سناریوهای فرضی مختلف در مورد میزان مصرف گاز طبیعی و اثرات آن بعد از اجرای طرح:

مصرف سالیانه گاز طبیعی خانوار (متر مکعب)	حداقل ارزش واقعی گاز صرفی (تومان)	مبلغ اعتبار کارت یارانه سوخت خانوار - یکسان (تومان)	مبلغ اعتبار کارت یارانه سوخت خانوار کارت بر اساس مصرف گاز قابل برداشت خانوار (تومان)	مانده اعتبار کارت قابل برداشت خانوار (تومان)	پرداختی خانوار بابت هزینه گاز مصرفی (تومان)
١٠٠٠	١٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	١٠٠٠٠٠٠	٢٠٠٠٠٠٠	- ٣٠٠٠٠٠٠
٢٠٠٠	٢٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٢٠٠٠٠٠٠	١٠٠٠٠٠٠	- ١٠٠٠٠٠٠
٣٠٠٠	٣٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٠
٤٠٠٠	٤٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	١٠٠٠٠٠٠
١٠٠٠٠	١٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٧٠٠٠٠٠٠	٧.٠٠٠.٠٠٠
٢٠٠٠٠	٢٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠	١٧٠٠٠٠٠٠	١٧.٠٠٠.٠٠٠

با هدف اینکه دولت بخواهد چه درصدی از خانوار مشمول مانده اعتبار کارت بشوند (٦٠٪ یا ٧٠٪ یا ٨٠٪)،

مبلغ اعتبار کارت بر اساس تعریف متوسط سطح سرانه مصرف خانوار، می‌تواند بالاتر تعریف شود.

لازم به یادآوری است که یارانه محاسبه شده بر مبنای گاز طبیعی، به خانواده‌هایی که مشترک گاز طبیعی نیستند نیز اختصاص می‌یابد. آنها از محل همان اعتبار تعریف شده در کارت برای سوخت، سوخت‌های جایگزین مانند نفت سفید یا گاز مایع تهیه خواهند کرد.

### جمع بندی و تخمین یارانه اعتباری کل حامل‌های انرژی (گاز، برق و بنزین و ...) خانوار ۴ نفره:

لازم به توضیح است که اعداد و ارقام برآورده، برای سهولت و سادگی رند شده‌اند. در صورت همکاری دستگاههای دولتی مرتب و دسترسی به اطلاعات و ارقام واقعی، می‌توان به جمع بندی نهایی و بهتر در تعیین اعداد و ارقام رسید.

برای پرهیز از طولانی تر شدن طرح از درج مثال‌ها و محاسبات مربوط به برق و بنزین صرفنظر می‌شود و جمع بندی محاسبات بخش گاز طبیعی بهمراه خلاصه اعداد و ارقام برآورده برای دو حامل انرژی دیگر ارائه می‌گردد.

۱. با فرض تخصیص معادل ریالی ۳۰۰۰ متر مکعب گاز طبیعی به ارزش هر متر مکعب ۱۰۰۰ تومان، مبلغ یارانه اختصاصی برای سوخت مصرفی ساختمان (گاز یا غیره) = ۳ میلیون تومان.

۲. با فرض تخصیص ۲۰۰۰ کیلووات ساعت برق مصرفی سهمیه هر خانوار در سال با نرخ ۵۰۰ تومان، مبلغ یارانه اختصاصی = ۱ میلیون تومان.

۳. با فرض تخصیص معادل ریالی ۱۰۰۰ لیتر بنزین در سال (روزانه نزدیک ۳ لیتر) با نرخ ۲۰۰۰ تومان، مبلغ یارانه اختصاصی به تمامی خانواده‌ها بابت سوخت خودرو یا حمل و نقل = ۲ میلیون تومان.

توضیح: برای خانواده فاقد خودرو یا موتورسیکلت، این اعتبار برابر اختصاص یافته، بعنوان یارانه پرداخت هزینه استفاده از خدمات حمل و نقل (کرایه) می‌باشد. بدیهی است در این گروه از خانواده‌ها، تمام این اعتبار مصرف نخواهد شد و بعنوان پاداش یا پس انداز خانواده خواهد بود.

در نتیجه:

در کارت اعتباری خانواده ۴ نفره، ۶ میلیون تومان اعتبار سالیانه (با سهمیه ماهیانه مشخص بر اساس روند و الگوی مصرف گذشته) اختصاص می‌یابد. بدین ترتیب یارانه اعتباری هر فرد در سال ۱.۵۰۰.۰۰ تومان برآورد می‌شود. بعنوان مقایسه، یارانه نقدی پرداختی فعلی به هر فرد در سال ۵۴۶ هزار تومان است.

بدین ترتیب، جمع کل یارانه اعتباری برای ۷۵ میلیون ایرانی ۱۱۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

### نکته، پیشنهاد حد تعداد نفرات در شارژ یارانه کارت اعتباری خانوار:

از آنجا که رابطه خطی بین تعداد افراد خانواده و مصرف انرژی وجود ندارد لذا برای اعتبار یارانه انرژی خانوار در کارت مربوطه، می‌توان به دو گونه عمل کرد.

۱. تعیین سقف تعداد نفرات برای اختصاص اعتبار یارانه انرژی. (مثلاً "حداکثر ۵ یا ۶ نفر")

۲. تعیین اعتبار کاهشی بابت نفرات اضافی بعد از پنجمین عضو خانواده (عدد ۵ فرضی است): یارانه مساوی در سقف اعلام شده بابت هر نفر (۱.۵۰۰.۰۰۰ تومان) تعلق می‌گیرد اما سرانه یارانه نفرات بعدی بترتیب %۱۰، %۲۰، ... تا %۵۰ کمتر خواهد بود. (پیشنهاد قابل بررسی)

در غیر اینصورت، باید واقف باشیم که خانواده های پرجمعیت یارانه بیشتری می گیرند در حالیکه "لزوماً" انرژی مصرفی خانوار ۶ نفره دو برابر انرژی مصرفی خانوار ۳ نفره نیست و این شیوه ممکن است انگیزه این خانواده به کاهش مصرف انرژی را کم کند. می توان -و باید- دغدغه های خانواده های در راهکاری دیگر و نه در تخصیص یارانه انرژی، جستجو کرد. تاکید می گردد که نباید هدف اصلی طرح را که کاهش مصرف است فراموش کنیم.

## ضرورت تداوم انگیزه کاهش مستمر مصرف انرژی در مردم

باید انگیزه موثر و قوی برای کاهش مستمر در مصرف انرژی تا رسیدن به حد قابل قبول وجود داشته باشد تا مردم به مصرف فعلی عادت نکند از این رو کاهش تدریجی سالیانه حدود ۱۰٪ در اعتبار کارت در یک افق ۵ ساله پیشنهادی می شود. درنتیجه بر اساس طرح پیشنهادی، اعتبار کارت هیچ وقت صفر نخواهد شد بلکه حداکثر به نصف کاهش می باید.

- این اقدام انگیزشی می تواند بصورت معکوس هم عمل شود یعنی بسته به درصد کاهش مصرف خانوار، اعتبار اضافی در کارت اعتباری شارژ شود یعنی به خانواده پاداش کاهش مصرف داده شود.
- همینطور برای حمایت از اقشار خاص و آسیب پذیر، این شیب کاهشی می تواند کمتر باشد.

شفاف سازی و همسو سازی مردم در ضرورت و امکان پذیر بودن روند کاهشی سالیانه حداکثر ۱۰٪، اثربخشی طرح را بیشتر می کند.

## چرا بر صدور کارت اعتباری تاکید می شود؟

یک راهکار ساده می تواند این باشد که در قبض های گاز و برق خانوار، بسته به مصرف ماهیانه آنها از اعتبار اولیه کاسته و مانده اعتبار درج شود یا افراد ماهیانه یا هرروز بتوانند با مراجعته به سایتی یا سامانه پیامکی، از مانده اعتبار خود مطلع شوند. این شیوه را پیشنهاد نمی کنم و بر کارت اعتباری تاکید می شود. کارت اعتباری، اثر روانی دارد. بر این باور هستم که با این شیوه، سریرست خانوار در زمان پرداخت قبض گاز و برق خود پشت دستگاه ATM یا سامانه اینترنتی یا پیامکی، بهای واقعی حامل های انرژی را که باید با کارت اعتباری خود پرداخت کند کاملاً "حس و لمس می کند" فلذا اثر قویتر و ماندگار و مستمری در کاهش مصرف برجا می گذارد.

## موضوع مهم: تفاوت اقلیم ها

با توجه به تفاوت قابل توجه در اقلیم های مختلف آب و هوایی کشور، تفاوت زیادی بین سوخت مصرفی برای گرمایش واحدهای مسکونی در زمستان در مناطق سردسیر و گرم‌سیر کشور وجود دارد. همینطور الگوی مصرف برق در تابستان بین مناطق سردسیر با گرم‌سیر بسیار متفاوت است. لذا اگر چنانچه بخواهیم صرف "یارانه انرژی" مصرفی در بخش ساختمان را محاسبه کنیم، این یارانه نمی تواند برای افراد در اقلیم های مختلف، یکسان باشد و تفاوت در سهمیه اختصاصی و یا اعمال تعریف های ترجیحی در نزخ برق یا گاز و نفت ضروری است.

در عین حال، اگر کارت اعتباری برای همه حاملهای انرژی تعریف گردد، شاید اثر تفاوت اقلیم ها کمترگ باشد و نیاز به آن کمتر احساس شود چون خانواده های ساکن در مناطق گرم‌سیر به گاز یا نفت کمتری در زمستان برای گرمایش نیازمند هستند ولی برعکس در تابستان به برق زیادی برای تأمین سرمایش توسط کولرهای گازی نیاز دارند. این وضعیت در مناطق سردسیر برعکس است یعنی در تابستان نیاز به برق کمتر و در زمستان نیاز به گاز یا نفت بیشتر است. با این وجود، بهتر است تصمیم گیری بر مبنای اطلاعات واقعی باشد. متوسط مصرف انواع حامل های انرژی در بخش خانگی در اقلیم های مختلف، برای این تصمیم مهم، تعیین کننده و تاثیرگذار است.

چنانچه بعد از بررسی الگوی مصرف انواع حامل های انرژی مصرفی در واحدهای مسکونی (گاز یا نفت و برق) در اقلیم های مختلف، اختلاف فاحش و معنی دار وجود داشته باشد، در اینصورت بجای ایجاد تفاوت در سهمیه یا یارانه انرژی بیشتر به هر فرد، با توجه به امکان جابجایی افراد بین اقلیم های مختلف و دشواری کنترل و نظارت عملیات مربوطه و اثر روانی منفی تعیین یارانه بیشتر به ساکنین مناطق خاص، بهتر است نزخ حامل های انرژی در ماههای خاص در اقلیم های موردنظر پایین تر تعریف گردد. (محاسبه درصد تخفیف نزخ ها، بستگی به تفاوت الگوی مصرف سبد انرژی واحد مسکونی در اقلیم های مختلف دارد که در حال حاضر بدلیل عدم دسترسی به این آمار، هیچ تخمین و پیشنهادی نمی توان داد). در عین حال امیدوارم تفاوت بین الگوی مصرف سبد انرژی واحد مسکونی در اقلیم ها تفاوت معنی دار و فاحش نداشته باشد و بطور مثال تفاوت حداکثر در حد ۱۰٪ باشد تا نیاز به تفاوت سهمیه یارانه بیش نیاید که در اینصورت طرح ساده تر خواهد بود.

درصورت نیاز به ایجاد تفاوت در اقلیم های مختلف، از الگوی جاری بعد از فاز اول هدفمندی یارانه ها که توسط وزارت نفت (شرکت ملی گاز ایران) برای گاز طبیعی و وزارت نیرو برای برق تهیه شده است، می توان استفاده کرد و درصورت نیاز اقلیم بندی ها را به روز و ساده تر و محدودتر کرد.

## پیش بینی اثرات اجرایی این طرح از نظر دو هدف اصلی یعنی کاهش مصرف و عدالت اجتماعی:

### الف- اثرات طرح در بعد مصرف انرژی:

۱. بدون تردید تمامی خانواده ها دیر یا زود، برای کاهش مصرف قابل توجه تشویق و مصمم می شوند چون اختلاف قیمت جدید با قیمت قبلی قابل توجه است و محركی بسیار قوی است چون مدیریت آن در اختیار خودشان است و در منافع آن شریک هستند. مردم برای صرفه جویی اگر انگیزه داشته باشند، خوش فکر هستند.

- مثلاً تعجب نکنیم اگر در ماههای سرد سال در بخشی از خانواده ها، فرزندان خانواده که در زندگی هم زندگی می کنند، مدتی را در خانه پدر و مادر با بستگانشان باهم و بصورت مشترک (یا نویتی) زندگی کنند تا اینگونه در مصرف گاز یا دیگر سوخت های مصرفی شان صرفه جویی کنند.
- یا مانند برخی کشورها، همکاران و همسایه ها، با هماهنگی باهم می توانند مسیرهای مشترک را باهم و با یک خودروی شخصی طی کنند و کمتر از خودروهای شخصی استفاده کنند یا مسیرهای کوتاه را پیاده طی کنند.

۲. حداقل ۱۰% کاهش در سرانه مصرف انرژی در سال اول اجرا دور از ذهن نیست.  
در سالهای بعدی و تا رسیدن به سطح استاندارد جهانی مصرف انرژی، همچنان می توان انتظار حداقل ۱۰% کاهش مصرف در سرانه مصرف خانوار/ واحدهای مسکونی را داشت. تأکید می شود که فاصله مصرف ما با استاندارد جهانی یک فاصله ۵-۴ برابر است یعنی می توان و باید به ۸۰% کاهش مصرف فکر کرد تا به حداقل ۵% کاهش مصرف سرانه برسیم.

### ب- اثر طرح در بعد عدالت اجتماعی:

۱. برآورد می شود حداقل ۳۰ تا ۴۰% خانواده های کشور که الگوی مصرف را رعایت می کنند ("عمدتاً" در دهک های پایین درآمدی هستند) و همچنین با اجرای این طرح، بیش از گذشته به کاهش مصرف توجه خواهد داشت، بسیار کمتر از سقف اعتباری کارت یارانه انرژی خود، مصرف خواهد داشت فلذاً نه تنها هیچ بهایی برای حامل های انرژی مصرفی پرداخت نمی کنند بلکه می توانند روی مانده قابل توجه اعتبار کارت که در پایان هر دوره تعریف شده، حساب کنند. (مدیریت مصرف کاملاً در اختیار خودشان است)

۲. بخش قابل توجهی از خانوار کشور که تا امروز بالاتر از محدوده الگوی مصرف ("عمدتاً" دهک های متوسط جامعه)، از حامل های انرژی استفاده می کرند، می توانند با مدیریت مصرف، هزینه پرداختی برای انرژی را کاهش دهند و حتی به صفر برسانند و از پاداش مانده اعتبار کارت بهرمند گردند. در غیر اینصورت هزینه مصرف مازاد بر متوسط مصرف عمومی را به بهای واقعی آن خواهند پرداخت.

۳. خانواده های پرمصرف دهک های درآمدی بالای متوسط و بیویه دهک های بالا، چنانچه مصرف انرژی واحد مسکونی خود را کاهش ندهند (که حتماً کاهش خواهد داد)، بسته به سطح مصرف جدیدشان، تا چند برابر اعتبار کارت بهای واقعی کل انرژی مصرفی را خواهند پرداخت و این عین عدالت است.

## پیش بینی اثرات جانبی طرح "کایاب":

۱. همراهی و حمایت مردم از این طرح بواسطه دادن اختیار مدیریت مصرف به آنها و دیدن سهم شان بصورت شفاف در منافع اقتصادی کاهش مصرف بصورت کاملاً انگیزانده (پاداش ملموس و قابل توجه)

۲. عدم نیاز به تکمیل فرم اطلاعات خانوار و عدم نیاز به دسترسی و ورود به اطلاعات مالی و دارایی مردم.

۳. عدم نیاز به حذف دهک های درآمدی بالا و ایجاد نارضایتی در آنها مگر انصراف داوطلبانه. حتی با ایجاد امکان انتقال اعتبار بین کارت های اعتباری، این احتمال قوی وجود دارد که این گروه از خانواده ها، تمام با بخشی از اعتبار کارت اعتباری یارانه انرژی خانواده خود را به کارت اعتباری خانواده های بی بضاعت منتقل کنند.

۴. گرایش و تشویق مردم به خرید کالاهای با رده برجسب انرژی بالاتر، جایگزینی کالاهای انرژی بر پرمصرف و فرسوده خانگی از جمله بخاری ها و آبگرمکن ها، و گرایش آنها به تغییر و اصلاح الگوی مصرف و الگوی پوشش لباس در منزل برای کاهش مصرف، گرایش خانواده ها به انتخاب بهتر در خرید ساختمان ها.

۵. عدم قطع گاز نیروگاهها، پالایشگاهها و صنایع که منجر به استفاده از سوختهای یا سوخت آلوهه کننده و مرگ آور مازوت می شود و عدم قطع گاز جایگاههای CNG که منجر به افزایش مصرف بنزین زیانبار می شود.

(در ماههای سرد سال و دوره پیک مصرف بخش خانگی)

۶. کاهش مصرف بنزین و کمک به افزایش سهم سوخت پاک CNG در سبد سوخت حمل و نقل.

۷. کمک به کاهش آلودگی هوا و کاهش مرگ ناشی از آلودگی هوا (نجات جان انسانها).

۸. جلوگیری از افت تولید و تعطیلی برخی از صنایع در ماههای سرد سال و جلوگیری از بیکاری کارگران.

۹. بخش صنعت مرتبط با تولید مصالح ساختمانی و تجهیزات انرژی بر، به مسیر درست هدایت می شوند.

• سرمایه گذاری و تولید ابیوه عایق های حرارتی، سرمایه گذاری برای تولید کالاهای با راندمان بالا و

کم مصرف، حذف محصولات دارای راندمان کم و پرمصرف و دارای رده برجسب انرژی F و G و

همچنین سرمایه گذاری در حوزه انرژی های تجدید پذیر از جمله انرژی خورشیدی و ... که با

اجرای این طرح مقرر بصرفه خواهد شد.

۱۰. اجرای این طرح، سازندگان مسکن را به ساخت ساختمان های عایق (اجرای درست مبحث ۱۹ که اساس آن عایق بندی پوسته خارجی ساختمان یعنی دیوارهای جانبی و سقف و کف است) رهنمون و ترغیب خواهد ساخت. همچنین این طرح به اجرای سریعتر طرح بر جسب انرژی ساختمان نیز کمک می کند.
- سازندگان مسکن واقع خواهند شد که با اجرای این طرح، بتدریج مردم دنیا خرید ساختمان های خواهند بود که مصرف انرژی آنها کم باشد. همچنین امید می رود در شناسنامه فنی ساختمانها کیفیت ساخت ساختمان از نظر جرئیات اجرای مبحث ۱۹ یعنی کیفیت عایق بندی پوسته خارجی، قید گردد.
۱۱. کاهش شدید و حتی حذف قاچاق سوخت:
- ضرورت کاهش قاچاق سوخت یک واقعیت ملي است. بعنوان مثال، وقتی قیمت هر لیتر بنزین آزاد ۷۰۰ تومان و قیمت آن لب مرز حدود ۴ برابر است چگونه می توان مانع از قاچاق شد؟ تا زمانی که قیمت ها اصلاح نشوند، با صرف تمامی بودجه کشور در بخش مبارزه با قاچاق، نمی توان مانع آن شد و نمی توان تمام مرزها را متر به متر رصد کرد. و در این راه چقدر باید شاهد و شنونده اخباری مبنی بر شهادت فرزندان این سرزمین، یعنی مرزبانان عزیز سپاه، ارتش و نیروی انتظامی در امر مبارزه با قاچاق سوخت باشیم؟
۱۲. کمک به اجرای طرح های بزرگ و ملي دولت و نظام شامل درمان نظام سلامت و حتی درمان رایگان، پوشش کامل و واقعی تامین اجتماعی، توسعه اشتغال و کاهش بیکاری، سرمایه گذاری های مولد ...
۱۳. کمک به کاهش نرخ تورم از طریق کاهش حجم پول و نقدینگی غیر مولد و همچنین امکان تشویق مردم به پرداخت هزینه حامل های انرژی بدون استفاده از اختیار کارت با هدف بهرهمندی آنها از سود مناسب (کمک بیشتر به کاهش نقدینگی) و همچنین عدم نیاز به افزایش مجدد سالیانه حامل های انرژی!
۱۴. و ده ها اثر مثبت اقتصادی و اجتماعی دیگر که در اینجا مجل پرداختن به آنها نیست و به فرصتی دیگری موكول می شود.

## توضیحات تکمیلی: بررسی طرح راهبرد سوم، دلایل و مثال هایی برای تایید مبانی طرح

### تحلیل و ارزیابی طرح "راهبرد سوم" سه نماینده محترم مجلس:

در طرح "راهبرد سوم" برای حامل های انرژی (گاز، برق، بنزین) سهمیه هایی تحت عنوان "کمریند امن انرژی" پیشنهاد شده است که تعریف آن برای "صرف متعارف" خانوارها -عمدتاً" حفظ سهمیه های فعلی- و با تعریفهای موجود (۴۰۰ تومان برای هر لیتر بنزین و ۱۵۰ تومان برای هر لیتر گازوئیل، ۴۵ تومان برای برق) یا افزایش جزئی در شروع طرح بر اساس اختیار قانونی دولت در مصوبه بودجه و حفظ آن برای طول دوره اجرای طرح و آزادسازی کامل قیمت حامل های انرژی برای مصارف خارج از "کمریند امن انرژی" مد نظر است.

بنظر اینجانب، در طرح "راهبرد سوم" چند نکته قابل بررسی و نقد از منظر اثربخشی، علمی و تجربی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. حفظ قیمت حامل های انرژی یا افزایش جزئی آن حتی در سطح "صرف متعارف" بعد از ۳ سال ثبات آن با توجه به تورم سالیانه ۴۰-۳۰% در سه سال اخیر یعنی راضی شدن و عادت به سطح فعلی مصرف حاملهای انرژی که در طرح بدرسی به آن اشاره کرده اند. هرچند مصرف بالاتر از "صرف متعارف" یا خارج از "کمریند امن انرژی" مشمول آزادسازی کامل قیمت حامل های انرژی است، اما لازمست ارزش واقعی حامل های انرژی را همگان، حتی در سطح مصرف متعارف باور و درک کنند.
۲. سهمیه بندی علاوه بر کمک به قاچاق و فساد، نیازمند هزینه های سنگین ساخت افزاری و نرم افزاری برای پشتیبانی فنی است که در این باره، وزارت نفت و مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده های نفتی بارها به آن اشاره کرده اند.
۳. در بند پیشنهادی تفکیک سهمیه به دو بخش همگانی (همه ایرانیان) و خودرو یا واحد مسکونی، در بخش اول آن، مشخص نشده است که به هر نفر قرار است سهمیه اختصاص باید با به هر خانوار و مینای اعداد پیشنهادی -هرچند بطور مثال داده شده است- ماهیانه است یا سالیانه.
۴. با وجود حسن پیشنهاد داده شده منی بر اختصاص بخشی از سهمیه حامل های انرژی بصورت همگانی، چه پاسخی برای خانواده هایی که خودرو یا موتورسیکلت ندارند و درنتیجه از بخش بارانه پیشنهادی اختصاصی به وسیله نقلیه بهره مند نمی شوند داریم؟ (پیشنهاد ارائه شده سه نماینده محترم، حفظ سهمیه های موجود خودروها و موتورسیکلت هاست) یا خانواده هایی که مشترک گاز طبیعی نیستند چطور از بارانه مربوطه بهرهمند می شوند.
۵. عدم شفافیت یا پیچیدگی پشتیبانی و عملیاتی اجرایی پیشنهاد "اختصاص سهمیه انرژی قابل تبدیل به وجه نقد به جای بارانه نقدی" و میزان اعتماد جامعه به این قول یا وعده و اثربخشی آن.
۶. پیشنهاد داده شده منی بر حذف برخی دهک های درآمدی از دریافت بارانه قادر توجیه و غیر قابل اجماع و پذیرش است. انصراف داوطلبانه متفاوت است اما اگر دهک بالای درآمدی با تلاش و کار شرافتمندانه به درآمد بالا رسیده اند چرا باید از دریافت بارانه محروم شوند؟ اولاً، درصد کسانی که از

راه بدون رحمت به ثروت های بادآورده دست یافته اند چند درصدند و چگونه قابل شناسایی هستند؟ دوماً، حذف یارانه این گروه خاص و محدود دردی را دوا نخواهد کرد بلکه پیدا کردن راهی جلوگیری از فرار مالیاتی آنها و اخذ مالیات حقه و قانونی، درآمد چندبرابری -نسبت به حذف یارانه آنها- را نصیب بیت المال می کند. لذا مشکل را باید در جای دیگر جستجو کرد.

○ بر این باور هستم که همه ثروت کشور برای همه ایرانیان امروز و نسل های آینده است.

ممکن است دهک های بالای درآمدی از دریافت یارانه انصراف ندهند اما مبلغ یارانه و حتی چند برابر آن را صرف امور خیریه کنند. آیا این اشکال دارد؟ این گروه مگر ایرانی نیستند؟ چرا دودستگی ایجاد کنیم و چرا به اختلاف طبقاتی دامن بزنیم و احساس تبعیض ایجاد کنیم؟

○ نکته مهمتر، آیا تکمیل فرم های اطلاعات مالی خانوار یا خود اظهاری خانوار، بنوعی زیر سوال بردن کرامت انسانی نیست؟ یعنی اگر قرار است ۷۰٪ دهک جامعه یارانه بگیرند، پذیرفته این که ۷۰٪ جمعیت کشور فقیر و نیازمند یارانه اند یا ۷۰٪ جامعه باید اعلام و اعتراف کنند که نیازمند و مستحق دریافت یارانه نقدی هستند؟ این اقدام با ارزشهای انسانی و شرافت انسانی منافات دارد. بدیهی است که افسار خاص آسیب پذیر باید شناسایی شوند اما راه آن، تکمیل فرم برای دریافت یارانه آنهم در حجم ۷۰٪ جامعه نیست. طرح پیشنهادی اینجانب، همه این دلمشغولی های بجا یا نابجا را برطرف می کند.

۷. اجرایی کردن پیشنهاد خوب سه نماینده محترم مبنی بر پرداخت یارانه پله ای به گروه ها و طبقات مختلف درآمدی، نیازمند اطلاعات درست از درآمد واقعی خانوار و توجه به سبد هزینه متفاوت خانوار در شهرها و روستاهای مختلف است و درنتیجه اجرایی کردن آن غیرممکن یا بسیار سخت و دشوار است.

۸. سه نماینده محترم به درستی اشاره و نقد کرده اند که در فاز اول هدفمندی، رابطه ای بین میزان مصرف انرژی و یارانه نقدی پرداختی به هر فرد تعريف نشد. واقعیت اینست که "اصلًا" چنین رابطه ای به آسانی قابل تعریف نیست چون بر عکس مواد خوراکی، انرژی توسط افراد مصرف نمی شود، حامل های انرژی در وسائل و سیستم های انرژی بر مورد استفاده در ساختمان ها و همچنین خودروها با بدترین شکل مصرف یا به عبارتی تلف می شود.

لازم به توضیح است که طرح پیشنهادی اینجانب (طرح مخفف: "کایاب") مشترکات زیادی با طرح "راهبرد سوم" سه نماینده محترم مجلس دارد و همسو با با کلیات آن است. اما با کسب اجازه از محضر این سه نماینده محترم، بر اساس نکات اشاره شده فوق، سعی کدم طرح پیشنهادی آنها را با برطرف کردن نقاط قابل بهبود مدنظر، موثرتر، کاربردی تر، ساده تر و اجرایی تر کنم.

طرح پیشنهادی اینجانب بنوعی "راهبرد سوم" تجدید نظر شده یا "راهبرد چهارم" است. در این طرح، بجای اختصاص سهمیه انرژی همگانی به ایرانیان در کنار اختصاص سهمیه انرژی به واحد مسکونی یا خودرو تحت عنوان "کمربند امن انرژی" با قیمت فعلی یا با رشدی مثلاً ۲۰-۳۰٪ که فاصله بسیار زیادی با ارزش واقعی آن دارد، بها یا ارزش واقعی همان سهمیه های پیشنهادی ۲ نماینده محترم (یا بالاتر از آن)، در کارت اعتباری یارانه انرژی خانوار شارژ می شود. با این شیوه، مردم در زمان پرداخت قبض گاز و برق و ... پرداخت قیمت و ارزش واقعی حامل های انرژی را حس می کنند (چه از محل اعتبار کارت و چه از جیب شان) و این بسیار تاثیرگذار است.

## مقدمات و پیش فرض های تدوین طرح "کایاب":

پایه و اساس این طرح در بخش ساختمان، بر این واقعیت مهم و فرصت ساز استوار است که سرانه مصرف انرژی در هر متر مربع از ساختمان های ما ۴ تا ۵ برابر اتحادیه اروپاییست. در این واقعیت تلح، چند پیام مهم تهفته است که مبنای شکل گیری ایده طرح پیشنهادی است:

۱. معنی وجود این فاصله زیاد، یعنی اینکه پتانسیل و جا برای کاهش ۸۰٪ در مصرف انرژی در بخش ساختمان وجود دارد و نباید کاهش مصرف ۱۰٪ را ایده آل و سقف انتظار دانست. برای اطمینان، نمونه ساختمان هایی داریم که مصرف گاز در آنها، یک دهم ساختمان های مشابه در همان شهر و اقلیم است. (شاید تصور مصرف ۹۰٪ کمتر سخت و غیر ممکن باشد اما واقعیت دارد)

• ضمن توصیه به دو یادداشت مرتبط اینجانب با عنوان "کیفیت ساخت و ساز مسکن در ایران" و "دلایل مصرف بالای گاز در ایران"، در نظر داشته باشیم که حدود ۴۰٪ کاهش مصرف را باید در بهبود کیفیت ساختمان، حدود ۳۰٪ کاهش مصرف را باید در وسائل و سیستم های حرارتی

گازسوز مورد استفاده در ساختمان ها و ۱۰٪ کاهش مصرف را باید در تغییر رفتار مصرف و پوشش و لباس مردم یا به اصطلاح فرهنگ سازی جستجو کرد. نباید مردم را مقصراً تام دانست و نباید انتظار معجزه با فرهنگ سازی را داشت که به سهولت و سرعت شدنی هم نیست.

• لازم به توضیح است که حدود ۷۰٪ گاز مصرفی در بخش خانگی برای تامین گرمایش، ۲۳٪ برای تامین آب گرم و ۷٪ برای مصارف بخت و پز صرف می شود. بحران مصرف گاز در ماهها سرد سال، بواسطه حجم انبوہ وسائل گرمایشی پرمصرف مانند بخاری ها و موتورخانه های مرکزی است که بخشی از حجم بالای مصرف گاز، به کیفیت ساختمان و بخشی به وسیله

انرژی بر مرتبط است اما رفتار مصرف انرژی و الگوی پوشش اعضا خانواده هم تا حدود ۱۰٪ می تواند در کاهش مصرف سهمیم باشد.

۲. ممکن است مصرف را نتوانیم ۸۰٪ کاهش دهیم اما باور دارم که با این طرح، کاهش ۵۰٪ در فاصله حداقل ۵ سال (سالیانه حداقل ۱۰٪)، امکان پذیر است.

۳. این فاصله نشان می دهد و باید بپذیریم و به این باور بررسیم که اکثریت ما اسراف کار هستیم و منافع و ثروت مان را به هدر می دهیم و کاش بدرس‌تی و برای تولید ثروت استفاده می کردیم. حال، ما که ادعای مسلمانی داریم و آیات و احادیث زیادی داریم که تاکید دارد "خدا اسراف کاران را دوست ندارد"، در محضر خدای خود و وجودان خود چه پاسخی داریم و چه باید کرد که خدا دوست مان داشته باشد و با این سطح مصرف، چه پاسخی برای نسل های آینده داریم.

۴. این واقعیت را باید بپذیریم که وقتی منابع و ثروت کشور را به قیمت ناجیز عرضه می کنیم مردم انگیزه ای برای درست مصرف کردن و کاهش مصرف ندارند چون ارزش واقعی آن را نمی دانند و آن را باور ندارند. بدون تردید اگر مردم بهای واقعی حامل های انرژی را بدانند و با تمام وجود احساس و باور کنند که مبلغ آن از جیب آنها می رود قدمهای بزرگی برای درست مصرف کردن بر می دارند و حتی صنعت ساختمان و صنعت تولید وسایل انرژی بر را به مسیر درست هدایت می کنند و صنایع مرتب در ریل درست آن قرار خواهد گفت. موتور محرک هدفمندی یارانه ها، اصلاح قیمت هاست و اگر بدرس‌تی و با درنظر گرفتن جوانب آن عمل شود، می توان منتظر "معجزه باور ارزش یا قیمت ها" و "معجزه اقتصادی با علامت دهنده درست قیمت ها" بود. پایه و اساس طرح پیشنهادی، ایجاد باور واقعی در مردم در مورد بهای واقعی حامل های انرژی و در کنار آن، متفق شدن مردم در منافع هنگفت اقتصادی ناشی از کاهش مصرف می باشد. تا زمانی قیمت اصلاح نشود "فرهنگ سازی" برای اصلاح الگوی مصرف، شعاری بیش نیست و این را سالها تجربه کرده ایم.

• بر این نکته تاکید می شود که فراموش نکنیم که هدف از اصلاح الگوی مصرف و بهینه سازی مصرف انرژی، درست مصرف کردن است نه کاهش مصرف و کاهش رفاه خانواده ها. اگر توجه داشته باشیم و به مردم آگاهی درست بدھیم که چگونه می توانند با حفظ رفاه و آسایش شان و حتی افزایش آن، مصرف انرژی واحد مسکونی خود را کاهش دهند مثلاً بدانند که انتخاب یک وسیله گازسوز یا برقی رده های بالاتر نسبت به رده F و G چند درصد مصرف انرژی آن را حتی می دهد یا با جایگزینی کالای انرژی بر فرسوده و قدیمی خود می توانند مصرف انرژی آن را حتی به نصف کاهش دهند، آیا رفاه خانواده کم شده است؟ خیر، برق و گاز و بنزین و سوخت، مصرف خوارکی مردم نیست. مشکل در کالای پرمصرف و ساختمان هاست که گرما و سرما را در خود نگه نمی دارند. حتی بگفته وزیر نفت و همچنین رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور، تا زمانیکه ساختمان درست نشود یعنی عایق مناسب نداشته باشد، بهترین محصول با بالاترین راندمان هم خیلی موثر نخواهد بود. اما از انجا که ساختمان ها بتدریج ساخته و گذاشت، حداقل کاری که در کوتاه مدت- از دست مردم بر می آید، جایگزینی کالاهای فرسوده و پرمصرف حتی با حمایت و سویسید دولت است.

**اساس و بنیان طرح مورد نظر با این فرضیه ساده شکل گرفته است که "اگر مردم مصرف انرژی شان را به نصف کاهش دهند، حتی رایگان شدن انرژی مصرف شده بنفع اقتصاد کشور است."**

۱. **مثال ۱:** فرض کنید خانواده ای که متوسط سالیانه واحد مسکونی شان در سال ۳۰۰۰ متر مکعب گاز است بابت این مصرف حدود ۳۰۰ هزار تومان (متوسط هر متر مکعب ۱۰۰ تومان- رند شده برای سادگی محاسبات) به دولت پرداخت می کند. اگر این خانواده تشویق شود که مصرف گاز خود را به دو سوم کاهش دهد (یعنی مصرف گاز واحد مسکونی در سال به ۲۰۰۰ متر مکعب برسد و ۱۰۰۰ متر مکعب صرفه جویی شود)، دولت می تواند ۱۰۰۰ متر مکعب گاز صرفه جویی شده را صادر کند و بر اساس نرخ صادراتی گاز، رقمی نزدیک یک و نیم میلیون تومان نصیب اقتصاد کشور کند. لذا نه تنها دولت یعنی اقتصاد کشور و بیت المال متضرر نشده بلکه چند برابر مبلغ دریافتی از خانواده ایرانی از محل صادرات کسب نموده است. لذا لازمست دولت بابت مشارکت مردم در کاهش مصرف، به آنها پاداش بزرگی بدهد و حتی مثلاً ۲۰۰۰ متر مکعب گاز مصرفی خانوار همچوی دریافت نکند. (رابطه کاملاً برد/برد)

۲. **مثال ۲:** فرض کنید همین خانواده از طریق مدیریت مصرف و اجرای طرح ها و روش های کاهش مصرف برق، مصرف برق سالیانه واحد مسکونی خود را از ۳۰۰۰ کیلووات ساعت (با هزینه پرداختی سالیانه حدود ۱۵۰ هزار تومان) به ۲۰۰۰ کیلو وات ساعت کاهش می دهد. دولت ۱۰۰۰ کیلو وات ساعت صرفه جویی شده خانوار را صادر می کند (با نرخ هر کیلووات ساعت بیش از ۴۰۰ تومان) و حدود ۲ برابر درآمد کسب می کند. با این وضعیت نیز جا دارد که بعنوان پاداش کاهش مصرف، حتی بابت کل ۲۰۰۰ متر مکعب مصرف جدید واحد مسکونی، هیچ هزینه ای از این خانواده دریافت نشود. (رابطه کاملاً برد/برد)

۳. **مثال ۳:** وقتی هر لیتر بنزین در مرزهای کشور، حدود ۷ برابر قیمت یارانه ای و حتی حدود ۴ برابر قیمت بنزین یارانه ای است، ایا می توان مانع قاچاق آن شد و از منظر دیگر، اگر همه در مصرف بنزین صرفه جویی کنیم و دولت به نیابت از ما، بنزین صرفه جویی شده را صادر کند و همه ما در منافع آن بصورت ملموس سهمیم باشیم، آیا مشارکت نخواهیم کرد؟

با مثالهای فوق و با توجه به فاصله بیش از ۱۳ برابر بین بهای هر متر مکعب گاز طبیعی در کشور تا نرخ صادراتی آن یعنی ارزش واقعی آن (۱۰۰) تومان در مقایسه با ۴۸ تا ۴۴ سنت یعنی بیش از ۱۲۰۰ تومان) و حتی فاصله ۱۰ برابری قیمت هر متر مکعب گاز در داخل کشور با نرخ تعیین شده در قانون هدفمندی (رسیدن به ۷۵٪ قیمت صادراتی گاز در پایان اجرای برنامه)، نکته و ایده ساده زیر به ذهن می رسد:

- اگر در يك حركت عمومي، مصرف گاز تمامي خانواده ها تنها ۱۰٪ کاهش يابد، دولت از محل صادرات همان ۱۰٪ صرفه جوبي شده، درآمدي بيش از كل درياfني از مردم بابت مصرف گاز در سال درآمد كسب خواهد نمود. يعني حتى اگر مردم همچو بليغى بابت گاز مصرف شان که نسبت به قبل ۱۰٪ كمتر شده است پرداخت نکنند، دولت و در واقع بيت المال (يعني جامعه و كل مردم) نه تنها ضرر نکرده، که سود هم كرده است. (رابطه كاملاً برد/برد)
- آيا ۱۰٪ کاهش مصرف گاز غير ممکن است؟ قطعاً خير. بنظر اينجانب حتى نباید به اين عدد قانع شد. مي توان بيشتر و بيشتر صرفه جوبي کرد اما مردم را در منافع هنگفت اقتصادي حاصله، منتفع ساخت.

بطور خلاصه، تاکيد مي شود که همراه کردن مردم در اجرای اين طرح با اين شيوه که با کاهش مصرف آنها و صادرات آن توسط دولت يا کاهش واردات، در منافع حاصله از صادرات بصورت مشهود منتفع و سهيم مي شوند، رمز موفقیت در بهینه سازی و کاهش سطح انرژي مصرفی است.

#### ملاحظات جانبی و پاسخ به برخی سوالات مطرح:

- در صورت نیاز، این طرح را بصورت آزمایشي و در شروع، می توان فقط برای سوخت (گاز طبیعی، گاز مایع و نفت سفید) تعریف و اجرای نمود.
- در پاسخ به کارشناسان و عزیزانی که ممکن است نقد و اظهار نظر کنند که ساختمان های ما مشکل دارد و عایق نیست. در تایید این نکته بايد عرض کنم تا زمانی که ساختمان های فاقد کیفیت و نامهربان نسبت به مصرف انرژي و آلودگی دودکش های ساختمان می سازیم، نباید انتظار معجزه و کاهش مصرف داشت. اما باید از يك جا شروع کرد و موتور محركه و هدایتگر، اصلاح قیمت هاست.
- همانگونه که در مورد ضرورت اصلاح قیمت حامل های انرژي اتفاق نظر وجود دارد و تفاوت نظرات در شکل احراس است، در بخش تولید کشور -که به اشتغال و رشد اقتصادي مرتبط است- کارشناسان و صاحبنظران دولت مجلس و بخش خصوصي و دانشگاهيان اتفاق نظر دارند که بخش تولید، نباید در اثر اجرای هدفمندي يارانه ها مانند فاز اول آسيب بيبند فلذا آهنگ رشد حامل های انرژي در اين بخش باید آهسته و تدریجي باشد اما نباید مدیران بخش تولید تصور کنند که همیشه قرار است حاملهای انرژي به بهای ناچيز در اختیار آنها قرار گيرد. باید برنامه مشخص و نقشه راه داده شود که مثلا طی ۵ سال و به ترتیج قیمت حامل های انرژي مصرفی بخش صنعت، به نصف قیمتی که در اختیار مصرف کننده هست خواهد رسید. برای کمک به بخش تولید که در اني سالها آسيب زياد دide است، می توان در سال اول، همچو تغييري در قیمت حامل ها اعمال نکرد اما قطعاً باید بهینه سازی و کاهش مصرف انرژي در بخش تولید نيز بصورت برنامه ریزی شده و هدفمند و با حمایت دولت و اجرای طرح های انجیزشی بویژه در انتقال تکنولوژي و به روز کردن ماشین آلات و خطوط تولید، اجرایی شود.
- در این طرح، اختصاص سهيمه يا يارانه به خودروهای تاکسي و وانت پیشنهاد نمی شود. بدیهی است کرایه ها افزایش قابل توجهی خواهند داشت که این فقط در شروع طرح است و سالهای بعد قرار نیست افزایش مجددی بابت افزایش قیمت سوخت صورت پذیرد. از طرف ديگر، بواسطه همین پیش بینی افزایش کرایه ها، اعتبار مناسبی بعنوان يارانه حمل و نقل يا سوخت به هر فرد اختصاص يافته است. بدیهی است که رفتار مردم در استفاده از خودروهای شخصی يا عمومی هم تغییر خواهد کرد و همچنین پیاده روی در مسیرهای کوتاه يا استفاده از دوچرخه که به سلامت مردم هم کمک می کند، بيشتر رواج خواهد یافت.
- قیمت و سهيمه گازوئیل مصرفی اتوبوس و کامیون ها: مشابه سایر حامل های انرژي باید افزایش جهشی داشته باشند تا جلوی فاجعه آن گرفته شود یا محدود شود. با پذيريش رشد جهشی قیمت گازوئیل، دو رویکرد تكميلي قابل بررسی است. يكی اينکه با هدف جلوگیری از افزایش شديد کرایه اتوبوسها يا قیمت تمام شده کالاها (با عنوان حمایت از تولید و مصرف کننده)، بر اساس کارکرد واقعی خودروهای مذکور (برای اطمینان از عدم قاچاق سوخت) بخشی از هزینه سوخت به مالک اتوبوس و کامیون برگردد. رویکرد دوم اینست که افزایش کرایه اتوبوس و افزایش قیمت تمام شده محصولات را -با اطلاع و علم به سهم کم هزینه حمل و نقل مواد و قطعات و کالا در قیمت تمام شده- بپذيريم و وارد عرصه پرداخت يارانه مجدد نشویم زира کنترل آن سخت است.
- در ساختمان های دارای کنتور گاز مشترک، برای چالش نحوه تقسیم هزینه و پرداخت آن باید به مردم راهکار مشخص داده شود که دلمشغولی آنها برطرف شود. در حال حاضر پنج راهکار قابل بررسی پیشنهاد می شود: يك- شرکت گاز با کمک IT باید زیرساخت لازم را فراهم کنند تا در ساختمان ها و مجتمع های چند واحدی (۵، ۱۰، ۲۰ و ...)، بر اساس يك فرمول رايح و پذيرفته شده بر اساس ترکيبی از تعداد افراد و متراژ هر واحد، گاز مصرفی ساختمان را بين واحدها تقسیم کند و برای هر واحد قبض جداگانه صادر کند. دو- در صورت عدم امكان اجرای راهکار اول، شرکت گاز مصرف گاز مشترک را بين تعداد واحدها بطور مساوی تقسیم کند و به تعداد واحدهای ساختمان، قبض صادر کند و ساکنین ساختمان مابه التفادات ها را در سایر هزینه های مشترک، بين خودشان محاسبه کنند. (روي اين پیشنهاد تاکيد نمي شود) سه- با امكان انتقال

وجه یا اعتبار بین کارت ها، ساکنین سهمیه قابل پرداخت توافق شده خود را می توانند بحساب یک نفر مثلا مدیر ساختمان واریز کنند و مدیر ساختمان هزینه قبض مشترک را پرداخت نماید. چهار- امکان پرداخت قبض مشترک در چند مرحله توسط هریک از ساکنین واحدها قابل انجام باشد و مالک یا مستاجر هر واحد، قبض پرداخت سهم خود را به مدیر ساختمان ارائه کند. پنج- ادامه روش و وضعیت فعلی یعنی، از آنجا که الزامي وجود ندارد که مردم از محل کارت اعتباری هزینه سوخت را پرداخت کنند و می توانند مانده و اعتبار کارت را بعنوان پس انداز منظور نمایند، ساکنین هر واحد بر اساس توافق انجام شده در ساختمان، سهم یا هزینه شارژ خود را به مدیر ساختمان خواهند داد و مدیر ساختمان قبض را پرداخت خواهد کرد. شاید روش‌های ساده دیگری هم وجود داشته باشد.

#### در پایان،

- امید است محققیق و مخترعین با حمایت سرمایه گذاران و دولت (معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان، شرکت بهینه سازی مصرف سوخت کشور، سازمان بهره و ری انرژی کشور و ...) به تولید رنگ یا پوشش ورقه ای (مانند کاغذ دیواری) با استفاده از فناوری نانو دست یابند که با پاشیدن یا چسباندن روی بدنه خارجی یا داخلی دیوارها و سقف و کف (و یا هردو) مانع هدررفت گرما و سرمای واحد مسکونی شوند. اگر این مهم صورت پذیرد -که بعید است غیر ممکن باشد- عایق بندی پوسته خارجی ساختمان ها در برابر سرما و گرما بدون اضافه کردن حجم یا ضخامت دیوارهای ساختمانهای موجود، به سهولت قابل اجراست و اثرات آن در کاهش مصرف انرژی بسیار قابل توجه است. (فرصتهای بسیار زیاد نوآوری، سرمایه گذاری، اشتغال و تولید مولد)

- همچنین انتظار می رود دولت محترم از ایده ها و طرح های دارای توجیه اقتصادی بالا و دوره برگشت کوتاه مدت در کاهش مصرف انواع حامل های انرژی (حتی با اخذ تضمین و تعهد از مخترع یا عرضه کننده آن) حمایت جدی و عملی بنماید. از این دست ایده ها و پروژه ها می توان به ترویج ترموموستات بخاری (با سیم و با فاصله از بخاری نه نصب روی آن)، اجرای روش‌های بهینه سازی انرژی در موتورخانه های پرمصرف مرکزی شامل: عایق بندی کامل احرای موتورخانه و لوله ها، جایگزینی منبع دوجداره یا کویلی با مبدل های صفحه ای با فناوری و راندمان بالا، جایگزینی اجزای سیستم موتورخانه های موجود با فناوری های نوین کم مصرف (پکیج های چگالشی پرقدرت مرکزی) در موتورخانه های بزرگ، برج ها، ساختمان های اداری، تجاری و عمومی، ترویج ترموموستات اناقی قابل اتصال به پکیج یا موتورخانه (بجای ترموموستات روی شیر رادیاتور)، تعریف و اجرای طرح های جایگزینی کالاهای فرسوده گازسوز و برقی درصورت داشتن مشابه تولید داخل با رده بالا (حداقل C) و در بخش خودرو بعنوان مثال به ترویج سیستم بھسور گار خودرو (برای خودروهای دوگانه سوز پایه بنزینی- محافظت موتور خودرو و کاهنده مصرف) و ایده های مختلف دیگر اشاره نمود.

برای اجرایی شدن این طرح، نیازمند اتفاق نظر، همسویی و وحدت ملی، جلب اعتماد و همراهی مردم و پیشبانی های لازم از طریق رسانه های جمعی بویژه رسانه ملی هستیم.

برای کمک به تکمیل و تقویت این طرح مهم ملی، پیشکسوتان، صاحبنظران، دانشگاهیان و کارشناسان آگاه و دلسوز را به همفرکری، نقد منصفانه و ارسال بازخورد و پیشنهادات اصلاحی یا تکمیلی دعوت می کنم و از دریافت نظرات راهگشای شما استقبال می کنم.

منتظر دریافت نظرات و پیشنهادات و نقدهای علمی و منصفانه برای اصلاح و تقویت طرح هستم.

میهن خویش را کنیم آباد

دست به دست هم دهیم به مهر

نوفرستی ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲